روزنامه صبح ایران
آرمان ملی
شماره ۱۶۸۹

سال پنجم
چهارشنبه
۱۴۰۲ • ۰۸ • ۱۷
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۵ / ۰۸ نوامبر ۲۰۲۳
اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۲
اذان صبح (فردا) ۰۵:۰۸ طلوع آفتاب (فردا) ۰۶:۳۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: نیره طاهری نیک
زیر نظر شورای سردبیری
نشانی: تهران، چهاره راه یوسف آباد، خیابان فتحی شقاقی به سمت ولیعصر پلاک ۱۸، ساختمان آفتاب، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱۸۸۱۰۵۰۰۷ دورنگار: ۰۲۱۸۸۱۰۵۳۴۱ آگهی ها: ۰۲۱۸۸۱۰۴۶۵۷
چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲
توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۲۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای
روزنامه آرمان ملی را
در سایت بخوانید

غیـــر محرمانـــه

توییت مطهری

علی مطهـری به اظهـارات نماینده روسـیه در سـازمان ملل واکنش نشان داد و تلویحا کنایه‌ای نیز به روس‌ها زد. علی مطهری نماینده پیشـین مجلس شورای اسـلامی در شـبکه اجتماعی ایکس نوشت: نماینده روسـیه در شورای امنیت سازمان ملل جمله خوبـی گفت. او گفت «اشـغالگر حق دفـاع از خود ندارد.» آری اشـغالگر فقط باید سرزمین اشغال شده را به صاحبان آن برگرداند، نه این که به بهانه دفاع از خود ده هزار کشته و سی هزار مصدوم و یک سرزمین سوخته به جا بگذارد.

کنایه مهاجرانی به مولوی عبدالحمید

عبدالحمید اسـماعیل‌زهی، امام جماعت مسـجد مکی زاهدان در واکنش به سـخنرانی سـید حسن نصرالله در روز جمعه، با وارونه‌نمایی سخنان دبیرکل حزب‌الله لبنان نوشـت: «شـعار دفاع از فلسطین با عمـل فاصله دارد. مردم غزه و فلسـطین به خداوند اعتمـاد و توجه کنند که بهترین فریادرس اسـت.» عطاءالله مهاجرانی فعال سیاسـی سـاکن لندن در واکنش به توئیت اخیر عبدالحمید علیه سـید حسن نصرالله نوشت: «احسنت بر شـما که دلسوز حماس و فلسطین و دشمن اسـرائیل هستید و منتقد سید حسن نصرالله! حزب‌الله لبنان تا به حال بیش از پنجاه شهید در مواجهه با ارتش اسرائیل داده‌اند. جنابعالی در زاهدان در دفاع از فلسطین مظلوم و علیه اسرائیل راهـپیمایی کنید. همین حد انتظار می‌رود!»

مرضیه برومند استعفا داد!

در متنی که دیروز هیأت مدیره خانه سینما منتشر کرده آمده اسـت:در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۴۰۲ سرکار خانم مرضیه برومند مدیرعامل محترم خانه سـینما، استعفای خود را به هیات رئیسه اعلام کردند.شرایط پیچیده حاکم بر سـینمای ایران، تناقضات مدیریتی، مشـکلات اقتصادی و فضاهای هیجانی تحمیل شده بر پیکر سـینمای ایران، عرصه بسیار سختی را برای مدیریت این نهـاد صنفی فراهم می‌کند که در طول این دوره نیز سخت و پیچیده تر شد و علیرغم تلاش های بی وقفه و دلسـوزانه خانـم برومند کار را برای ایشان دشـوار کرد.هیات رئیسه خانه سینما با درک این وضعیت و پس از جلسـات متعـدد، با احترام به جایگاه و شـأن ارزشـمند همکار گرامی مان، ضمن قدردانی از تلاش های هشـت ماهه صورت گرفته ، با استعفای ایشان موافقت کرد»

۶۰۰ راننده خانه‌نشین می‌شوند

شرکت همسفر چابک‌سواران که یکی از بزرگ‌ترین مسـافربری‌های اتوبوسی کشور است، دیروز با انتشار بیانیـه‌ای از تعطیلی قریب‌الوقوع و توقف فعالیت‌های ۶۰۰ راننده فعال خود خبر داد. حسین پرواس، رئیس هیات‌مدیره شرکت مسافربری همسفر چابک‌سواران، بی‌توجهـی وزیر راه و شهرسـازی به خواسـته‌های رانندگان و مالکان اتوبوس را دلیل این تعطیلی اعلام کرده است.

نهال دوستی وقتی دانش آموزان همدل با هم آن را بلند می کنند

عکس: حجت سپهوند — عکسنامه

حسام‌الدین سراج:

«گلپا» زمزمه مردم کوچه و بازار بود

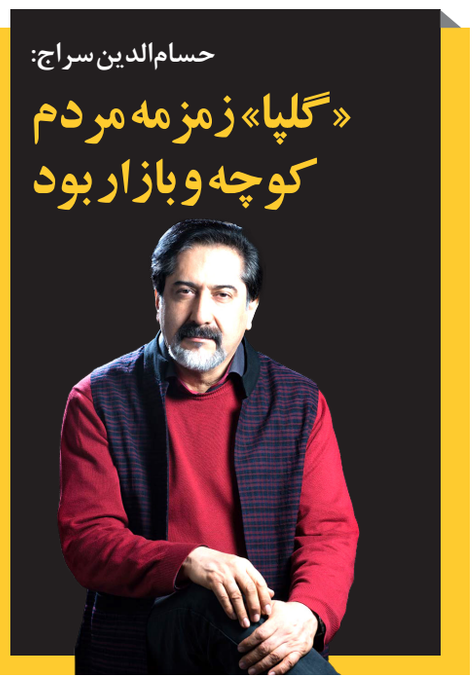

حسام‌الدین سراج گفت: تواضع و مهربانی استاد اکبر گلپایگانی واقعا زبانزد خاص و عام بود؛ بسیار فروتن و مهربان بودند و تعامل ایشان با دوستان و مردم بسیار خوب بود.

زنده‌یاد گلپا که از آخرین‌های نسل طلایی موسیقی گل‌ها شناخته می‌شد و سال‌ها مردم ایران با صدای او خاطره داشتند، عصر شنبه ۱۳آبان‌ماه بر اثر بیماری از دنیا رفت و فقدان او برای اهالی موسیقی ایرانی و دوستدارانش خبری غم‌انگیز بود.

حسام‌الدین سراج (خواننده موسیقی اصیل ایرانی) درباره ضایعه درگذشت زنده‌یاد «گلپا» به ایسنا گفت: درگذشت استاد اکبر گلپایگانی را به همه عزیزان هنردوست و عاشقان فرهنگ و هنر ایرانی تسلیت عرض می‌کنم. من از زمان نوجوانی از صدای ایشان خاطره دارم. در آن زمان خواننده‌های بزرگی مثل استاد ایرج (حسین خواجه امیری) و استاد گلپایگانی با عنوان گلپا، استاد عبدالوهاب شهیدی، استاد محمودی خوانساری، استادبنان و استادشجریان، خوانندگان بزرگ آن دوره بودند که در برنامه‌های گلهای جاویدان، برگ سبز و سایر برنامه‌های آواز و موسیقی ایرانی که تهیه و پخش می‌شد، شرکت داشتند و همیشه برای نوجوان‌ها و جوان‌هایی که به دنبال آواز بودند، الگو بودند.

او ادامه می‌دهد: من از چند نفر از دوستان اهل موسیقی که با استاد نورعلی برومند ارتباط داشتند، شنیده بودم که استاد گلپایگانی عصای دست استاد برومند و دائما همراه ایشان بودند. استاد گلپایگانی در یادگیری ردیف از استاد برومند کوشا بودند به همین جهت بسیاری از علاقه‌مندان آواز اعتقاد داشتند که استاد گلپایگانی از سرآمدان ردیف در روزگار خود بود اما شیوه ایشان دقیقا شیوه منطبق بر «ردیف» یعنی شیوه‌ای که تقلید صرف از ردیف باشد، نبود و به سمت دیگری رفت. استاد گلپایگانی را شاید امروز بیشتر به واسطه ترانه‌های ایشان بشناسند اما او در آواز هم بسیار قوی بود و بعضی از آوازهایی که آن زمان از ایشان شنیده می‌شد، زمزمه مردم کوچه و بازار بود.

سراج در همین راستا آواز «مست مستم ساقیا دستم بگیر» را به عنوان نمونه آشکار ذکر می کند و می گوید: به هر حال ملاحت صدای گلپا و قدرت آوازی ایشان و سلیقه خاص ایشان در انتخاب شعر و ترانه‌ها مجموع هویت گلپایگانی یا پدیده آواز معاصر به عنوان اکبر گلپایگانی یا گلپا را می‌سازد.

او در پایان می گوید: در نوجوانی و جوانی از صدای ایشان بهره می‌بردم ولی این اواخر توفیق داشتم که به اتفاق دوستان به خدمت ایشان برسم. تواضع و مهربانی ایشان واقعا زبانزد خاص و عام بود. بسیار فروتن و مهربان بودند و تعامل ایشان با دوستان و مردم بسیار خوب بود. ان‌شاءالله که روح ایشان همیشه در آرامش باشد.

خبـــر

پرفروش‌ترین‌های سینما در نیمه اول سال

جزئیات فروش بلیت آنلاین سینما به تفکیک فیلم‌های پرمخاطب، سینماهای محبوب مردم و ماه‌های پرمخاطب در ۶ ماه نخست سال منتشر شد.

به گزارش ایرنا، فیلم فسیل که در گروه کمدی‌های پرفروش امسال قرار دارد، با ۲میلیون و ۴۳۰ هزار و ۶۷۳ بلیت خریداری شده، صدرنشین جدول فروش شده است.

بعد از آن یک فیلم کمدی دیگر یعنی شهر هرت با فروش حدود ۶۰۰هزار قطعه بلیت در رده دوم و درام سه کام حبس هم با ۲۱۹هزار و ۵۵۰ بلیت فروخته شده، جایگاه سوم را به خود اختصاص داده است. همچنین فیلم‌های «آهنگ دو نفره» با فروش ۱۶۸هزار و ۴۳۶ بلیت و «کت چرمی» با ۱۶۱هزار و ۷۵۶ قطعه بلیت فروخته شده، در رده‌های بعدی قرار دارند.

ملاقات خصوصی، غریب، بخارست و عروس خیابان فرشته هم به ترتیب با ۱۵۹هزار و ۴۵۰، ۱۱۵هزار و ۹۴۸، ۷۰هزار و ۷۹۲ و ۷۰هزار و ۷۱۸ بلیت دیگر پرفروش‌های نیم سال اول ۱۴۰۲ هستند.

«ایران‌مال» در صدر

بر همین اساس پردیس سینمایی ایران‌مال با ۳۳۵هزار و ۸۴۵ بلیت فروخته شده در صدر جدول بیشترین انتخاب مردم برای سینمارفتن قرار دارد و بعد از آن هم پردیس سینمایی کورش با ۳۲۹ هزار و ۴۴۰ بلیت، پردیس سینمایی آزادی با حدود ۱۷۳ هزار بلیت فروخته شده و پردیس سینمایی ملت با ۱۶۲ هزار ۶۳۲ و پردیس سینمایی مگامال هم با حدود ۱۵۷هزار بلیت فروخته شده رده‌های بعدی انتخاب مردم برای تماشای فیلم را به خود اختصاص دادند.

خراسان رضوی سوم شد

همچنین بعد از تهران و البرز که با ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بلیت فروخته شده، ۷۲.۲۸ درصد از فروش کل «سینماتیکت» را به خود اختصاص داده‌اند، استان‌های خراسان رضوی با فروش حدود ۶۰۰ هزار بلیت، اصفهان با ۲۹۳هزار، فارس با ۲۷۱هزار و قم با ۱۲۳ هزار بلیت در رده‌های بعدی قرار دارند.

تئاتر کمدی پرفروش‌تر است

این مجموعه که در ۶ ماه اول امسال فروش آنلاین بلیت ۱۲۸ تئاتر کمدی و غیرکمدی را نیز پوشش داده، در مجموع ۳۳۶ هزار و ۶۸۶ بلیت در این حوزه فروخته که از این آمار ۹ هزار ۴۳۷ بلیت به نمایش‌های غیرکمدی و ۳۲۷ هزار و ۲۴۹ بلیت خریداری شده هم به تئاترهای کمدی تعلق دارد.

در نیمه اول سال ۲۰هزار و ۴۲۴ بلیت کنسرت آنلاین به فروش رسیده است.

اردیبهشت شلوغ سینما

اردیبهشت‌ماه با فروش یک میلیون و ۱۲۴هزار و ۷۷۴ بلیت پرمخاطب‌ترین ماه سینمایی در شش ماه نخست سال محسوب می‌شود. بعد از آن فروردین با یک میلیون و ۱۲ هزار بلیت و اولین ماه تابستان هم با فروش بیش یک میلیون دومین و سومین ماه محبوب برای سینمادوستان بوده است. این آمار از سامانه فروش بلیت سینماتیکت استخراج شده است.

دریـــچه

عبدالعلی دستغیب ۹۲ ساله شد

مردی با نظرات صریح

وقتی از عبدالعلی دستغیب درباره آدم‌ها و شخصیت‌های ادبی می‌پرسید خود را پشت واژه‌ها پنهان نمی‌کند، تند و تیز درباره آن‌ها حرف می‌زند و در بیان نظراتش صریح است؛ مثلا ابایی ندارد بگوید شعر ابتهاج در قیاس با شاعران نوپرداز قابل اعتنا نیست یا احمدرضا احمدی در شعر بزرگسال شاعر موفقی نبود یا علی‌محمد افغانی فقط در کتاب اولش موفق بوده است. او معتقد است نقد یک مقوله خانوادگی نیست.

ایسنا نوشت، عبدالعلی دستغیب در ۱۶ آبان ۱۳۱۰ در شیراز متولد شد.

او پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شد. پس از فراغت از تحصیل به تدریس در دبستان‌های کازرون و نورآباد ممسنی پرداخت. به گفته خود، زمانی که غالبا مردم بی‌سواد بودند و کتابخوانی هم اساسا وجود نداشت به واسطه پدرش که رئیس فرهنگ شهرستان‌های فسا و فیروزآباد و جهرم بوده، کتاب و روزنامه می‌خوانده، هرچند بسیاری از کتاب‌ها مناسب سنش نبوده به گونه‌ای که در کلاس ششم ابتدایی تقریبا همه نویسندگان و رجال سیاسی ایران، از جمله کسروی، راشد، احسان طبری، و نیز محمد مسعود، محمد حجازی، بزرگ علوی، مشفق کاظمی، زین‌العابدین مراغه‌ای و دیگران را می‌شناخته و با کتاب‌های آن‌ها آشنا بوده است.

از دوران نوجوانی نقد می‌نوشت

دستغیب اولین نقدهایش را زمانی که دانش‌آموز ششم ابتدایی بوده در مجله نور دانش منتشر کرده است. خود می‌گوید: «بعد از شهریور ۲۰ روزنامه‌های زیادی منتشر شدند و آزادی بیان در مطبوعات به وجود آمده بود. من چون روزنامه و مجله می‌خواندم، اطلاعات جنبی به غیر از معلوماتی که در مدرسه آموخته بودم، داشتم.

سال ششم ابتدایی با مجله «سخن» آشنا شدم و برخی از مطالب آن را که متوجه می‌شدم، می‌خواندم. همچنین آثاری از جمالزاده، محمد حجازی و بزرگ علوی را می‌خواندم. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که مطبوعات بیش‌تر شد، من هم برای مجله‌هایی که در تهران و شیراز بودند، مطالبی می‌نوشتم و می‌فرستادم و آن‌ها هم بدون این که سن و سال مرا بدانند، مطالبم را چاپ می‌کردند؛ مجله‌هایی چون صبا، خواندنی، تهران مصور، ترقی و آشفته.» البته او تأکید دارد نقدهایی که در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ می‌نوشته بیشتر جنبه ذوقی داشته و گاه نمی‌توانسته دلیل محکمی برای آن‌ها ارائه دهد و از خود دفاع کند.

دستغیب از دوران دانشسرا این گونه یاد می‌کند: «زمانی که وارد دانشسرای عالی شدم، آثاری را از گی‌دو موپاسان و شکسپیر خواندم و به فلسفه و نقد ادبی علاقه‌مند شدم. بعد مجله‌های دیگری چون فردوسی و نگین منتشر شد و من که به تهران آمدم، با این مجله‌ها همکاری کردم. در اطلاعات و کیهان هم می‌نوشتم. این‌ها وسیله‌ای شد که من کتاب‌های بیش‌تری بخوانم. در این زمان، کتاب‌هایی چون «بابا گوریو» بالزاک هم بر من اثر گذاشت و دیدم را به زندگی عوض کرد.

او کتاب «بابا گوریو» را کتابی تأثیرگذار می‌خواند و می‌گوید: «زمانی که این کتاب را خواندم، شاید خوشایند هم نبود، با شخصیت اصلی این کتاب احساس نزدیکی کردم؛ شخصیت اصلی دانشجویی است که به پاریس می‌آید و وارد محافل اشرافی می‌شود و از طبقه پایین خود را بالا می‌کشد که به نوعی داستان بالزاک است، او در تپه مشرف پاریس ایستاده و این شهر را تماشا می‌کند و می‌گوید «ای پاریس اینک من و تو». من در یکی از عمارت‌های تهران بودم در سال ۱۳۳۸-۱۳۴۰، رمان هم می‌نوشتم، فکر کردم همین را می‌توانم به تهران بگویم، «تهران، اینک من و تو». و فکر می‌کردم اگر ادامه دهم بشوم بالزاک. این آرزوی دوره جوانی بود.» اولین کتاب دستغیب «آیین نگارش» است؛ این کتاب طرز نگارش و انشانویسی را به دانش‌آموزان دبیرستان‌ها آموزش می‌داد و با کتاب‌های کمک‌آموزشی که آن زمان منتشر می‌شد، متفاوت بود. این کتاب در سال ۱۳۴۵ در انتشارات سپهر منتشر شد.

او درباره نقدی ادبی می‌گوید: «نقد ادبی به معنای جدید در ایران از اواخر دوره قاجار شروع شد و دوره رونق آن هم دهه ۴۰ بود و پیش از شهریور ۱۳۲۰ نقد بیش‌تر تقریظ و توضیح بود، اما کم‌کم نویسنده‌های ما یاد گرفتند نقد جدید بنویسند. کسانی مانند پرویز ناتل خانلری، پرویز داریوش، عبدالحسین زرین‌کوب، عبدالمحمد آیتی و خبره‌زاده بیش‌تر نقد دانشگاهی می‌نوشتند. بعد از آن‌ها غلامحسین یوسفی و محمدرضا شفیعی کدکنی نیز به نقد پرداختند. شاعرانی مانند نیما، شاملو، اخوان و یدالله رویایی نیز نقد می‌نوشتند. در دهه ۴۰ دو نفر کار نقد را به صورت جدی دنبال می‌کردند؛ من و رضا براهنی. البته دیگران هم بودند، اما نقد کار ما روزانه شده بود. لحن براهنی تند و خشن بود.

بعدا با تغییر و تحولات سیاسی ادبیات فروکش کرد و نقد هم کم‌تر مورد توجه بود. پس از جنگ دوباره ادبیات رونق گرفت و چند رمان خوب نوشته شد. شعرهای افرادی وضعیت و فرم شعر را تغییر داد. در تمام این احوال، نقدی متناسب با این تعداد آثار در حوزه‌های نمایشنامه‌نویسی، رمان و شعر، پدید نیامد که با نقد دهه ۴۰ هم‌تراز باشد. مع‌الوصف با برخی نقدها هم که نوشته شد، فعالیت خوبی در این زمینه شد.»

نقد فعلی ما تعارف و تکلف است

دستغیب معتقد است: «نقد فعلی ما بیش‌تر تعارف و تکلف است و جنبه دوستی دارد و بوی جانبداری و طرفداری می‌دهد؛ نقد یک مقوله خانوادگی نیست، اما هموطنان عزیز ما هنگام نقد نوشتن به شهر خود و دوستان‌شان اهمیت خاصی می‌دهند؛ مثلا محمد حقوقی از رضا براهنی در کتاب «شعر از آغاز تا امروز» نام برده و براهنی هم درباره شعرهای او در «طلا و مس» نوشته است؛ این یعنی بده بستانِ ادبی. وقتی براهنی و حقوقی این‌طور باشند، کار بقیه معلوم است.»

او منتقدی را منتقد موفق می‌خواند که درباره تاریخ زبان فارسی و آثار ادبی اطلاعات کافی داشته باشد و می‌گوید: «منتقدی که مولوی، سعدی و حافظ را نشناسد، نمی‌تواند منتقد خوبی باشد. همچنین یک منتقد باید نقد افرادی مانند ما را هم خوانده باشد و با آثار جرجانی که در علم بلاغت و استعاره کتاب نوشته، آشنا باشد. همچنین لازم است یک منتقد حتما یک زبان خارجی هم بداند؛ چراکه به ترجمه‌ها اطمینان چندانی نیست. منتقد باید بتواند فارسی را خوب بنویسد و طوری بنویسد که همه بفهمند. آثاری که امروز جوانان می‌نویسند، فاقد فصاحت و بلاغت است. همچنین منتقد باید از بت‌پرستی و تظاهر دست بردارد. امروز ادعای هایدگرشناسی، سارترشناسی و... گریبان‌گیر درس‌خواندگان ماست. منتقد باید از این تظاهرها دست بردارد و خود را دانشجو بداند.»

اینفوگرافیک

منبع: تبیان